

فریاد...!

من آن موج خروشانم ، خروشان

گهی برتارک ساحل ، گهی برآستان صخره‌ایم من

ولیکن ، خسته برگردم بدامانش ، خسته!

سینه کشایم فرو نشینند بیکباره ، بیکباره!

گهی افتان ، گهی خیزان!

چون همسفر با کاروان تیز پایم من

گهی اینجا ، گهی آنجا!

بسان مرغ بی آشیانم من

خدارا رحمی ای ساقی ، مکن منعم

چو من مستانه میجویم درمیخانه را

Chia.rabii@yahoo.com

بهار سال 2007 مالمو سوئید.